بررسی رابطه بین هوش هیجانی و مهارت‌های خودکنترلی و همدلی در بین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دشتستان

مریم نوری زاده [۱] ، نازخاتون علی پناه رودبار[۲] ، فاطمه خواجه آزاد[۳]

۱.آموزگار پایه سوم مقطع ابتدایی ،اداره آموزش و پرورش شهرستان دشتستان
۲. آموزگار پایه پنجم مقطع ابتدایی ،اداره آموزش و پرورش شهرستان دشتستان
۳. آموزگار پایه اول مقطع ابتدایی ،اداره آموزش و پرورش شهرستان دشتستان

چکیده

هدف از تحقیق حاضر تبیین و شناسایی رابطه بین هوش هیجانی و مهارت‌های خودکنترلی و همدلی در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دشتستان می‌باشد. روش پژوهش از نظر ماهیت از نوع همبستگی، از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا پیمایشی است. جامعه آماری شامل دانش آموزان پنجم و ششم مقطع ابتدایی شهرستان دشتستان در سال تحصیلی۱۴۰۳ تعداد ۲۰۲۱نفر می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۹۶ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد شده مربوط به هر متغیر انجام شد و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاد از آزمون همبستگی اسپیرمن و رگرسیون در نرم افزار اس.پی.اس.اس انجام شد. نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دشتستان رابطه معنی‌داری وجود دارد و یک واحد افزایش در متغیر هوش هیجانی موجب ۰/۳۴۸ واحد افزایش در متغیر مهارت‌های اجتماعی می‌شود. همچنین مشخص شد که بین هوش هیجانی و مهارت خودکنترلی، مهارت همدلی، در بین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دشتستان رابطه معنی‌داری وجود دارد و به ترتیب یک واحد افزایش در متغیر مستقل (هوش هیجانی) موجب ۰/۲۲۲، ۰/۱۸۵، ۰/۲۷۹ و ۰/۳۸۶ واحد افزایش در متغیر مهارتهای خودکنترلی، مهارت همدلی، دانش‌آموزان می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی این آزمون از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد.

کلید واژه‌ها: هوش هیجانی، خودکنترلی، همدلی، دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دشتستان

مقدمه

مهارت‌های اجتماعی در نوجوانان به عنوان مهمترین نشانه‌ی سلامت روان آنان، از مباحثی است که در دهه‌های اخیر توجه بسیاری از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و مربیان را به خود جلب نموده است، زیرا دوره‌ی نوجوانی، دوره‌ی حساسی است و مهارتهای اجتماعی نوجوان در این دوره دستخوش تحولات عاطفی، جسمانی و ذهنی فوق‌العاده شدیدی است و هنوز به طور کامل رشد نیافته است. به همین علت ممکن است تأخیر در بلوغ عاطفی به دنبال خود مشکلات جدی در روابط بین فردی در نوجوانان و چالش‌های اجتماعی برای آنان پدید آورد. علاوه براین، رشد اجتماعی مهمترین جنبه‌ی رشد وجود هر شخصی است و معیار اندازه‌گیری رشد اجتماعی هرکس سازگاری او با دیگران است. سازگاری اجتماعی مانند رشد جسمی، عاطفی و عقلی یک کمیت پیوسته است و به تدریج به کمال می‌رسد و در طول زندگی به طور طبیعی و در برخورد با تجربه‌ها

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

حاصل می‌شود. با سپری شدن دوران کودکی و ورود به دوران نوجوانی، رشد روانی- اجتماعی از تحول ساده به تحول عمیق و کیفی تبدیل می‌شود و نوجوان با به‌کارگیری مهارت‌های اجتماعی، می‌تواند جایگاه خود را در میان مراودات اجتماعی و ارتباط با همسالان خود و بزرگسالان پیدا کند و مورد پذیرش اجتماعی قرار گیرد. موفقیت در امر پذیرش اجتماعی به سازگاری اجتماعی منجر می‌شود و ممکن است فرد را به مرحله‌ی نفوذ و رخنه‌ی اجتماعی برساند که سطحی بالاتر از پذیرش اجتماعی است و در این مرحله می‌تواند بر اطرافیان خود تأثیرگذار باشد. رخنه‌ی اجتماعی، فرایندی است که از طریق آن روابط آدمیان از سطح دوست داشتن به سوی صمیمیت بیشتر سیر می‌کند (اتکینسون، اتکینسون و هیلگارد، ۳۶۹:۱۳۸۳).

مهارت‌های اجتماعی رفتارهای انطباقی فراگرفته شده است که فرد را قادر می‌سازد با افراد دیگر روابط متقابل داشته باشد، واکنش‌های مثبت بروز دهد و از رفتارهایی که پیامد منفی دارند، اجتناب ورزد. مهارت‌های اجتماعی شامل مهارت در تشخیص خصوصیات گروه، ارتباط‌گیری با گروه، گوش دادن، همدردی، ارتباط غیرکلامی، در تشخیص احساسات خویش و مهارت کنترل خویش است. شخصی که دارای مهارت اجتماعی است، می‌تواند به انتخاب و ارائه‌ی رفتار مناسب در وضعیت معین دست بزند. الیوت و گرشام[۱] (۲۰۰۳) ضمن تعریف مهارت‌های اجتماعی به عنوان رفتارهای انطباقی یادگرفته شده که فرد را قادر می‌سازد تا با افراد دیگر رابطه‌ای متقابل داشته باشد و از خود پاسخ‌های مثبت بروز دهد، این رفتارها را به پنج رفتار جزئی‌تر تقسیم می‌کنند که هر یک از آنها می‌تواند موجب تسهیل روابط بین فردی شود. آنها شامل همکاری، گفتار مناسب، مسؤولیت‌پذیری، همدلی و خویشتن‌داری هستند. بروز مهارت‌های اجتماعی ضعیف، به عدم پذیرش فرد توسط دیگران منجر می‌شود. بسیاری از دانش‌آموزان هرگز رفتار مناسب را برای موقعیت‌های اجتماعی در تعامل با دیگران یاد نگرفته‌اند. بدیهی است رشد مهارت‌های اجتماعی به منظور سازگاری اجتماعی در روابط بین فردی نیازمند سلامت عاطفی- روانی و هوشمندی هیجانی است. بدین ترتیب، مهارت‌های اجتماعی به رفتارهای آموخته شده و مقبول جامعه اطلاق می‌شود؛ رفتارهایی که شخص می‌تواند با دیگران به گونه‌ای ارتباط متقابل برقرار کند که به بروز پاسخ‌های مثبت و پرهیز از پاسخ‌های منفی می‌انجامد (نادری، ۱۳۸۸) و موجب سازگاری اجتماعی فرد می‌شود.

یکی از الگوهایی که ممکن است با مهارتهای اجتماعی در ارتباط باشد، ظرفیت هیجانی یا هوش هیجانی افراد است؛ همان چیزی که این تحقیق می‌کوشد آن را تبیین نماید. منظور از هوش هیجانی، توانایی فرد در بازنگری احساسات و هیجان‌های خود و دیگران، تمیز قائل شدن میان هیجان‌ها و استفاده از اطلاعات هیجانی به صورت سالم در حل مسأله و نظم بخشی رفتار است (سالووی و مایر، ۱۹۹۰). گلمن و همکارانش (۱۹۹۹،

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

به نقل از واتکین، ۲۰۰۰) هوش هیجانی را مجموعه‌ای از توانایی‌ها مانند خودآگاهی، همدلی، خودنظم بخشی، انگیزش خود و مهارت‌های اجتماعی تعریف کرده‌اند. بار-آن (۱۹۹۷)، نظریه‌پرداز دیگری است که هوش هیجانی را به عنوان مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌های غیرشناختی می‌داند که توانایی‌های فرد را در برخورد موفقیت‌آمیز با مقتضیات و فشارهای محیطی افزایش می‌دهند. وی هوش هیجانی را در پنج مقوله‌ی کلی تعریف می‌کند: ۱- بهره‌ی هیجانی درون شخصی شامل قاطعیت، استقلال، خودآگاهی و خودشکوفایی؛ ۲- بهره هیجانی بین شخصی شامل همدلی، مسؤولیت‌پذیری اجتماعی؛ ۳- بهره هیجانی قابلیت سازش یافتگی شامل انعطاف‌پذیری، آزمون واقعیت و توانایی حل مسأله؛ ۴- بهره‌ی هیجانی مدیریت تنیدگی شامل مهار تکانه، تحمل تنیدگی؛ ۵- بهره‌ی هیجانی خلق عمومی شامل امیدواری و شادمانی.

با توجه به این نظر، پیاژه که هوش را توانایی سازگاری و انطباق با محیط می‌داند و وکسلر آن را مجموعه‌ی شایستگی‌های فرد در تفکر عاقلانه، رفتار منطقی و سودمند و اقدام مؤثر در سازش با محیط می‌داند، به نظر می‌رسد که یکی از عوامل مؤثر در سازگاری اجتماعی، هوش باشد، اما چون در اینجا سازگاری اجتماعی؛ یعنی سازگاری در جمع مطرح است، بنابراین، هوش هیجانی به عنوان عامل مهمی در قدرت سازگاری و پذیرش اجتماعی می‌تواند نقش ایفا کند. اهمیت و ضرورت توجه به این مسأله در این است که توانایی شخص برای سازگاری و چالش در زندگی و عملکرد منسجم به قابلیت‌های هیجانی و منطقی بستگی دارد. توانش‌های هیجانی نه تنها برای تجربه‌های اجتماعی، بلکه برای تجربه‌های فردی نیز کارآیی دارند. در واقع، برخی از محققان اذعان می‌کنند که خودآگاهی و زندگی درونی فرد به گونه‌ی چشمگیری توسط تجربه‌های هیجانی مشخص می‌شود.

در خصوص تبیین و شناسایی رابطه بین هوش هیجانی و مهارت های اجتماعی در بین دانش آموزان تا به حال پژوهش مستقلی در ایران انجام نشده است. از این رو می توان گفت در درجه اول از لحاظ علمی توسعه علمی موضوع از جمله مهمترین ضرورت هایی است که انجام این پژوهش در نظر دارد. همچنین نگاه خاص به تبیین و شناسایی رابطه بین هوش هیجانی و مهارت های اجتماعی در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دشتستان و روشهای آن و ورود به این مساله نیز باید مد نظر قرار گیرد و این دومین ضرورت توجیه کننده انجام این پژوهش می باشد.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

بین هوش هیجانی و مهارت‌های (خودکنترلی و همدلی) در بین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دشتستان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

براساس سؤالات پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تعریف می‌شود:

- بین هوش هیجانی و مهارت‌های خودکنترلی در بین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دشتستان رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین هوش هیجانی و مهارت‌های همدلی در بین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دشتستان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

پیشینه پژوهش

جعفری بلالمی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر آموزش مؤلفه های هوش هیجانی بر افزایش مهارت های اجتماعی (با تأکید بر رضایت زناشویی) دانشجویان دانشگاه مازندران بیان کردند که میزان هوش هیجانی قابل تغییر بوده و می توان آن را با آموزش مهارت های مرتبط افزایش داد. سطح هوش هیجانی آزمودنی‌هایی که در این دوره آموزشی شرکت کرده بودند در مقایسه با آغاز دوره و هم چنین به نسبت آزمودنی‌هایی که این دوره را نگذرانده بودند تغییر قابل توجه‌ای نشان داد. هم‌چنین برگزاری این دوره آموزشی توانست بر میزان رضایت زناشویی گروه آزمایش نیز بیافزاید.

عباسی و حبی مبرهن (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان رابطه هوش هیجانی و مهارت های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بیان کردند که ارتباط مثبت بین هوش هیجانی و مهارت اجتماعی وجود دارد و این ارتباط در سطح اطمینان ۹۵ درصد از نظر آماری معنی دار است. در نهایت نتایج تحلیل رگرسیون به منظور تبیین سهم هر یک از متغیرهای هوش هیجانی و مهارت اجتماعی نیز نشان داد که از بین متغیرهای مورد مطالعه، متغیر هوش هیجانی بیشترین سهم را در تبیین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد.

اصل فتاحی و نجارچور استادی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان بررسی رابطه هوش هیجانی و عزت نفس با مهارت های اجتماعی بیان کردند که از بین مولفه های هوش هیجانی، مولفه های شادمانی، روابط بین فردی، کنترل تکانه و مسوولیت پذیری اجتماعی، پیش بینی های معنی داری برای متغیر مهارت های اجتماعی هستند.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

هم چنین مشخص شد که بین هوش هیجانی با مهارت های اجتماعی و بین عزت نفس با مهارت های اجتماعی ارتباط وجود دارد و این رابطه با سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد معنی دار است.

امینی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان اثر بخشی آموزش هوش هیجانی بر مهارتهای اجتماعی و شیوههای مقابله با استرس دانش آموزان دبیرستانی شاهد دختر همدان بیان کردند که آموزش هوش هیجانی بر مهارتهای اجتماعی و شیوههای مقابله با استرس (مسـأله مداری و اجتنابی) شدت اثر بالایی دارد اما بر شیوه هیجان مداری شدت اثر پایینی دارد. میتـوان نتیجـه گرفت که آموزش هوش هیجانی بر افزایش مهارتهای اجتماعی و اتخاذ شیوههـای مقابلـه بـا اسـترس کارآمد و مؤثر است.

یامحمدیان و شرفی راد (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل رابطه بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی در نوجوانان بیان کردند که بین عوامل هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان گروه سنی ۱۲-۱۰ سال و گروه سنی ۱۵-۱۳ سال رابطه معناداری وجود دارد، اما این رابطه در گروه سنی ۱۸-۱۶ سال معنادار نبود. نتایج همچنین نشان داد که بین هوش هیجانی کلی و سازگاری اجتماعی رابطه معنادار است. نتایج تحلیل واریانس نشان داد که بین میانگین نمره های سازگاری اجتماعی و میانگین نمره های هوش هیجانی در سه گروه تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که تربیت و تقویت هوش هیجانی می تواند در تربیت مهارت های اجتماعی و سازگاری اجتماعی نوجوانان موثر واقع شود.

ویلا[1] و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی و هوش هیجانی دانش‌آموزان بر رفتار و همزیستی نوجوانان در قرن بیست و یکم بیان کردند که از مجموع شرکت کنندگان، ۵۲/۷ درصد نمونه مرد و ۴۷/۳ درصد زن بودند. میانگین سنی شرکت کنندگان ۱۳.۰۱ سال (SD = 0.935) بود. نتایج حاکی از بهبود محیط با آموزش کافی و استفاده صحیح از برنامه هوش هیجانی (EI) در بین دانش آموزان دوره متوسطه بود. همچنین کاهش تعارضات و تقویت روابط بین اعضای جامعه آموزشی مشاهده شد. در نهایت، مفاهیم عملی برای بهبود همزیستی در مدارس متوسطه مورد بحث قرار می گیرد.

کریت و سیمسک۲ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان برنامه آموزشی توسعه مهارت های اجتماعی برای بهبود تاب آوری روانی و سطح هوش هیجانی نوجوانان بیان کردند که برنامه آموزشی علیرغم معنی دار نبودن، تاب آوری روانشناختی و سطح هوش هیجانی کل نوجوانان را بهبود و افزایش داد (p<۰/۰۵). در طول پیگیری، نوجوانان گروه مداخله تفاوت مهمی در نمرات پیگیری در زیربعدهای خوش بینی و ارتباطی RS در مقایسه

1- Vila
2- Cerit & Şimşek

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

با نمرات پس آزمون نشان دادند و گروه مداخله میانگین کل نمره بالاتری در EIES داشت. نتایج ما حاکی از آن است که برنامه آموزشی تأثیرات مثبتی بر بهبود تاب‌آوری روان‌شناختی و سطح هوش هیجانی نوجوانان به‌ویژه در بلندمدت دارد که باید در نمونه‌های مختلف تدوین و اعمال شود.

تریگورس[1] و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان رابطه بین هوش هیجانی، مهارتهای اجتماعی و آزار همسالان با مطالعه با دانش آموزان دبیرستانی بیان کردند که نتایج منعکس کننده یک رابطه مثبت بین هوش هیجانی و مهارتهای اجتماعی، و یک رابطه منفی با توجه به قلدری بود. به نوبه خود، مهارت های اجتماعی یک رابطه منفی را با قلدری منعکس می کند. این نتایج نشان دهنده نیاز به اجرای برنامه های آموزشی متمرکز بر توسعه هوش هیجانی در کلاس درس، به عنوان ابزاری برای جلوگیری از رفتارهای قلدری در کلاس درس است.

سالاورا[2] و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان مشکلات زمینه ای، هوش هیجانی و مهارت های اجتماعی در دانش آموزان دوره متوسطه بیان کردند که چگونه این سازه ها به هم مرتبط هستند و چگونه مشکلات زمینه ای دانش آموزان بر اساس هوش هیجانی و مهارت های اجتماعی آنها متفاوت است. نتایج همچنین نشان داد که از هر دو مرد، یک نفر و از هر چهار زن، یک نفر، نمرات بالایی در مسائل زمینه ای کسب کرده است. در نهایت، جنسیت بر نحوه ارتباط مشکلات زمینه‌ای، هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی تأثیر گذاشت و یک رابطه معکوس بین مشکلات زمینه‌ای و هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی برای زنان ارائه شد. در حالی که این رابطه برای مردان ضعیف تر بود. به عنوان نتیجه گیری، بیان می کنیم که مشکلات زمینه ای با هوش هیجانی و مهارت های اجتماعی دانش آموزان دوره متوسطه مرتبط است، اما این رابطه بر اساس جنسیت متفاوت است.

روش‌شناسی

براساس نحوه گردآوری داده ها این تحقیق از نوع توصیفی پیمایشی می باشد. از آنجایی که این تحقیق درپی دستیابی به ویژگی‌هایی است که محقق در آن ویژگی ها هیچگونه دخالت و تغییری ایجاد نمی کند و هدف اصلی صرفاً توصیف وضعیت موجود در میان معلمان می باشد در نتیجه، تحقیق حاضر از نوع توصیفی_پیمایشی است.

جامعه آماری مورد تحقیق

1- Trigueros
2- Salavera

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

یکی از سوالاتی که هر پژوهشگر در فرآیند تحقیق باید به آن پاسخ دهد این است که آیا باید داده‌های کل افراد جامعه را مورد بررسی قرار دهد یا نمونه‌ای از آن را با رعایت اصولی و قواعد انتخاب کند. پس از بررسی و تحلیل داده‌ها و ویژگی‌های نمونه انتخاب شده، در مورد جامعه آماری قضاوت کند و نتایج را به جامعه تعمیم دهد. جامعه آماری عبارت است از مجموعه‌ای از افراد یا واحدها یا اشیاء که دارای حداقل یک صفت مشترک باشند (بازرگان و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۵). جامعه آماری شامل دانش آموزان پایه پنجم وششم مقطع ابتدایی شهرستان دشتستان در سال ۱۴۰۳شامل ۲۰۲۱ نفر می‌باشد.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: بین هوش هیجانی و مهارت‌های خودکنترلی در بین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دشتستان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- بین هوش هیجانی و مهارت‌های خودکنترلی رابطه معناداری وجود ندارد.=H_0
- بین هوش هیجانی و مهارت‌های خودکنترلی رابطه معناداری وجود دارد. =H_1
- برای آزمون تأثیر متغیر مستقل (هوش هیجانی) بر متغیر وابسته (مهارت‌های خودکنترلی) این فرضیه از آزمون رگرسیون استفاده شده است.

جدول۱-واریانس مدل رگرسیونی متغیر هوش هیجانی و تأثیر آن بر مهارت‌های خودکنترلی

خطای استاندارد		**ضریب تشخیص تعدیل شده**		**ضریب تشخیص (R2)**	**R**	
۱۴/۵۵۹		۰/۲۱۴		۰/۲۱۷	۰/۴۶۶	
سطح معنی‌داری	سطح اطمینان	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
۰/۰۰۰	۰/۹۵	۷۵/۹۰۲	۱۶۰۸۸/۰۵۶	۱	۱۶۰۸۸/۰۵۶	رگرسیون
نتیجه آزمون: رد فرض H_0			۲۱۱/۹۵۹	۲۷۴	۵۸۰۷۶/۶۷۹	باقیمانده
			---	۲۷۵	۷۴۱۶۴/۷۳۶	کل

باتوجه به جدول فوق از آنجا که سطح معنی‌داری آزمون مربوطه برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد، می‌توان چنین ادعا نمود که آزمون فوق با خطای ۰/۰۵ یا سطح اطمینان ۰/۹۵ معنی‌دار می‌باشد. ضریب تشخیص R2 که عبارت است از نسبت تغییرات توضیح داده شده توسط متغیر هوش هیجانی به تغییرات کل، ۰/۲۱۷ می‌باشد. می‌توان بیان نمود که حدود ۲۱/۷ درصد تغییرات متغیر وابسته (مهارت‌های خودکنترلی)، توسط تغییرات در متغیر مستقل یا پیش‌بین (هوش هیجانی) تبیین می‌گردد.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

جدول۲-ضرایب پارامتر فرضیه متغیر هوش هیجانی و تأثیر آن بر مهارت‌های خودکنترلی

عنوان متغیر	β شیب خط	t محاسبه شده	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
عرض از مبدأ	۱۱۰/۰۳۰	۴۷/۳۹۹	۰/۰۰۰	رد فرض H_0
مهارت‌های خودکنترلی	۰/۲۲۲	۸/۷۱۲	۰/۰۰۰	رد فرض H_0

بنابراین رابطه ریاضی بین متغیر مهارت‌های خودکنترلی و هوش هیجانی دانش آموزان به‌صورت زیر خواهد بود:

- Y=0.222X+110.030

باتوجه به معادله می‌توان بیان نمود که یک واحد افزایش در متغیر مستقل (هوش هیجانی) موجب ۰/۲۲۲ واحد افزایش در متغیر مهارتهای خودکنترلی دانش‌آموزان می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی این آزمون از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد.

فرضیه دوم: بین هوش هیجانی و مهارت‌های همدلی در بین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دشتستان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- بین هوش هیجانی و مهارت‌های همدلی رابطه معناداری وجود ندارد.=H_0
- بین هوش هیجانی و مهارت‌های همدلی رابطه معناداری وجود دارد. =H_1

برای آزمون تأثیر متغیر مستقل (هوش هیجانی) بر متغیر وابسته این فرضیه از آزمون رگرسیون استفاده شده است.

جدول ۳- واریانس مدل رگرسیونی متغیر هوش هیجانی دانش آموزان و تأثیر آن بر مهارت‌های همدلی

خطای استاندارد		ضریب تشخیص تعدیل شده		ضریب تشخیص (R2)	R	
۱۵/۰۰۱		۰/۱۶۶		۰/۱۶۹	۰/۴۱۱	
سطح معنی‌داری	سطح اطمینان	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
۰/۰۰۰	۰/۹۵	۵۵/۵۷۷	۱۲۵۰۶/۴۷۸	۱	۱۲۵۰۶/۴۷۸	رگرسیون
نتیجه آزمون: رد فرض H_0			۲۲۵/۰۳۰	۲۷۴	۶۱۶۵۸/۲۵۷	باقیمانده
			---	۲۷۵	۷۴۱۶۴/۷۳۶	کل

باتوجه به جدول ۳ از آنجا که سطح معنی‌داری آزمون مربوطه برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد، می‌توان چنین ادعا نمود که آزمون فوق با خطای ۰/۰۵ یا سطح اطمینان ۰/۹۵ معنی‌دار می‌باشد. ضریب تشخیص R2 که عبارت است از نسبت تغییرات توضیح داده شده توسط متغیر هوش هیجانی به تغییرات کل، ۰/۱۶۹ می‌باشد. می‌توان بیان

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

نمود که حدود ۱۶/۹ درصد تغییرات متغیر وابسته (مهارتهای همدلی)، توسط تغییرات در متغیر مستقل یا پیش‌بین (هوش هیجانی) تبیین می‌گردد.

جدول ۴- ضرایب پارامتر فرضیه متغیر هوش هیجانی دانش آموزان و تأثیر آن بر مهارت‌های همدلی

عنوان متغیر	β شیب خط	t محاسبه شده	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
عرض از مبدأ	۱۱۳/۸۴۶	۵۱/۸۷۷	۰/۰۰۰	رد فرض H_0
مهارت‌های همدلی	۰/۱۸۵	۷/۴۵۵	۰/۰۰۰	رد فرض H_0

بنابراین رابطه ریاضی بین متغیر هوش هیجانی دانش آموزان و مهارتهای همدلی دانش آموزان به‌صورت زیر خواهد بود:

Y=0.185X-113.846 -

باتوجه به معادله بالا می‌توان بیان نمود که یک واحد افزایش در متغیر X (هوش هیجانی) موجب ۰/۱۸۵ واحد افزایش در مولفه مهارتهای همدلی دانش آموزان می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی این آزمون از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد.

نتیجه‌گیری

فرضیه اول: بین هوش هیجانی و مهارت‌های خودکنترلی در بین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دشتستان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

نتایج نشان داد که از آنجا که سطح معنی‌داری آزمون مربوطه برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد، می‌توان چنین ادعا نمود که آزمون فوق با خطای ۰/۰۵ یا سطح اطمینان ۰/۹۵ معنی‌دار می‌باشد. ضریب تشخیص متغیر هوش هیجانی به تغییرات کل، ۰/۲۱۷ می‌باشد. می‌توان بیان نمود که حدود ۲۱/۷ درصد تغییرات متغیر وابسته (مهارت‌های خودکنترلی)، توسط تغییرات در متغیر مستقل یا پیش‌بین (هوش هیجانی) تبیین می‌گردد و یک واحد افزایش در متغیر مستقل (هوش هیجانی) موجب ۰/۲۲۲ واحد افزایش در متغیر مهارتهای خودکنترلی دانش‌آموزان می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی این آزمون از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد.

نتایج به دست آمده با نتایج مطالعات اخوان تفتی و مفردنژاد (۱۳۹۷)، عباسی و حبی مبرهن (۱۳۹۳)، اصل فتاحی و نجارچور استادی (۱۳۹۲)، امینی و همکاران (۱۳۹۲)، یامحمدیان و شرفی راد (۱۳۹۰)، لیوارجانی و غفاری (۱۳۸۹) و لیوارجانی و همکاران (۱۳۸۸) همخوانی دارد.

در تبیین نتایج این فرضیه می‌توان بیان کرد که مدرسه نهادی اجتماعی ونمایانگر فرهنگی است که مدرسه جزئی از آن است و به کودک جهان بینی و عادات و رسوم و مهارت‌ها و دانش خاص را منتقل می‌کند. مدرسه

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

نظام اجتماعی کوچکی است که کودک درآن قواعد اخلاقی، عرف اجتماعی، نگرش‌ها و شیوه‌های برقراری ارتباط با دیگران را می‌آموزد. مدرسه غالباً شبکه‌ای از گروه همسالان برای کودک و نوجوان مهیا می‌کند. نفوذی که مدرسه دارد همه به دلیل وجود شاگردان دیگر هم به دلیل وجود معلمان و برنامه ریزی در سی است. مهارت اجتماعی مجموعه رفتارهای آموخته شده‌ای است که فرد را قادر می‌سازد با دیگران رابطه اثربخش داشته و از واکنش‌های نامعقول اجتماعی خودداری کند. همکاری، مشارکت با دیگران، کمک کردن، آغاز گر رابطه بودن، تقاضای کمک کردن، تعریف و تمجید از دیگران و قدردانی کردن، مثال‌هایی از این نوع رفتار است. یادگیری رفتارهای فوق و ایجاد رابطه اثربخش با دیگران یکی از مهمترین دستاوردهای دوران کودکی است. متاسفانه همه کودکان موفق به فراگیری این مهارت‌ها نمی‌شوند. به همین دلیل، اغلب این کودکان با عکس العمل های منفی از سوی بزرگسالان و کودکان دیگر رو به رو می‌شوند. بهره هوشی به خوبی نمی‌تواند از عهده توضیح سرنوشت متفاوت افرادی برآید که فرصت‌ها و شرایط تحصیلی مشابهی دارند. هوش شناختی به تنهایی نمی‌تواند آمادگی زیادی در افراد برای مقابله صحیح در فراز و نشیب‌های زندگی ایجاد کند و لزوماً تضمین کننده رفاه، شخصیت اجتماعی و یا احساس شادکامی در زندگی نیست. هوش هیجانی نوعی از فراتوانایی است که مشخص می‌کند چگونه می‌توانیم از سایر مهارت‌های خود از جمله بهره هوشی به بهترین صورت استفاده کنیم. یکی از امتیازات هوش هیجانی نسبت به هوش‌بهر بعد اکتسابی بودن است که به راحتی قابل یادگیری، تکامل، بهبود و اصلاح است. همه افراد از ترکیبی از هوش و عواطف برخوردارند؛ افراد دارای هوشبهر بالا و هوش هیجانی پایین (یا هوش پایین و هوش هیجانی بالا) نسبتاً نادرند. در واقع، میان هوشبهر و برخی جنبه‌های هوش هیجانی همبستگی اندکی وجود دارد؛ هر چند این ارتباط آن قدر هست که روشن کند این دو قلمرو اساساً مستقلند. البته همبستگی بین هوش هیجانی و هوش شناختی بسته به ابزار مورد استفاده از درجات متفاوتی برخوردار است. همچنین، بین هوش هیجانی و ابعاد مختلف هوش شناختی، با توجه به اینکه کدام هوش را مورد مطالعه قرار می‌دهیم، همبستگی متفاوتی دیده می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که هوش هیجانی همبستگی بیشتری را با خرده مقیاس‌های هوش کلامی نسبت به خرده مقیاس‌های هوش عملی نشان می‌دهد. هیجان‌ها قادرند توجه را به هر سو سوق دهند، که این خود بر یادگیری تأثیر دارد. مثلاً، توانایی کنترل کردن هیجان‌ها می‌تواند به دانشجویان کمک کند در کلاس درس تمرکز داشته باشند و موقعیت اضطراب انگیزه را اداره کنند.

فرضیه دوم: بین هوش هیجانی و مهارت‌های همدلی در بین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دشتستان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

نتایج نشان داد که از آنجا که سطح معنی‌داری آزمون مربوطه برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد، می‌توان چنین ادعا نمود که آزمون فوق با خطای ۰/۰۵ یا سطح اطمینان ۰/۹۵ معنی‌دار می‌باشد. ضریب تشخیص متغیر هوش هیجانی به تغییرات کل، ۰/۱۶۹ می‌باشد. می‌توان بیان نمود که حدود ۱۶/۹ درصد تغییرات متغیر وابسته (مهارتهای همدلی)، توسط تغییرات در متغیر مستقل یا پیش‌بین (هوش هیجانی) تبیین می‌گردد و یک واحد افزایش در متغیر X (هوش هیجانی) موجب ۰/۱۸۵ واحد افزایش در مولفه مهارتهای همدلی دانش آموزان می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی این آزمون از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد.

نتایج به دست آمده با نتایج مطالعات اخوان تفتی و مفردنژاد (۱۳۹۷)، عباسی و حبی مبرهن (۱۳۹۳)، اصل فتاحی و نجارچور استادی (۱۳۹۲)، امینی و همکاران (۱۳۹۲)، یامحمدیان و شرفی راد (۱۳۹۰)، لیوارجانی و غفاری (۱۳۸۹) و لیوارجانی و همکاران (۱۳۸۸) همخوانی دارد.

در تبیین نتایج این فرضیه می‌توان بیان کرد که وظیفه اول مدرسه جامعه پذیرکردن نسل جدید با ارزش‌های مسلط جامعه، بویژه با ارزش‌های محیط خارج از خانواده، مخصوصاً با ارزش‌های دنیای کار است. در مدرسه کودک ارزش‌های عام گرایی، عملکرد، ویژگی و بی طرفی عاطفی را درونی می‌کند این ارزش‌ها هستند که کودک با آن‌ها در محیط خانوادگی کمتر ارتباط پیدا می‌کند. از این دیدگاه مدرسه محیط جامعه پذیری اصلی برای انگیزه‌های اقتصادی، عقلانی است و ارزش‌های نوعی جامعه صنعتی می‌باشد. کارکرد دوم مدرسه، تربیت و آماده سازی نیروی انسانی برای تصور مشاغل گوناگون در جامعه صنعتی است. کارکرد سوم مدرسه، در سطح آموزش عالی ارتباط تنگاتنگی با تحقیقات علمی دارد. از این دیدگاه، مدرسه محل خلاقیت، نوآوری و دگرگونی است دانشگاه نه تنها انتقال دانش از نسلی به نسل دیگر است، بلکه محل تولید شناخت، نقد و بررسی شناخت‌های موجود و تفسیر مجدد آن‌هاست. هنگام برنامه‌ریزی یک برنامهٔ آموزش مهارت اجتماعی، مسائل متعددی وجود دارند که باید مورد ملاحظه قرار گیرند. مهم‌ترین مسأله شاید موقعیت رشدی کودک باشد که همواره در حال تغییر است. رفتارهایی که برای سن خاصی مناسب هستند، ممکن است برای سن دیگر زود یا دیر باشند. این موضوع نیز در مورد روش‌های درمانی مصداق دارد. ما همواره باید این ملاحظات رشدی را به هنگام طراحی راهبردهای مداخله‌گرانه و ارزیابی آن‌ها در نظر بگیریم با توجه به نتایج این پژوهش‌ها و پژوهش‌های مشابه، برنامه‌هایی در جهت افزایش هوش هیجانی دانشجویان، اساتید، مدیران و والدین طرح ریزی شده است که از پیش دانشگاهی تا دانشگاهی را شامل می‌شود و در برخی از کشورهای انگلیسی زبان و سراسر ایالت متحده مورد استفاده قرار می‌گیرند. یکی از این برنامه‌ها، برنامه‌ای است موسوم

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

به معلم هیجاناً باهوش[1]. این برنامه استراتژی‌ها، ابزارها و تکنیک‌های مبتکرانه‌ای در اختیار اساتید تمام مقاطع دانشگاهی قرار می‌دهد تا آگاهی آنان را نسبت به اهمیت مهارت‌های هوش هیجانی افزایش داده و توانایی‌شان را برای به کار گرفتن این مهارت‌ها در روابط شغلی و شخصی‌شان بالا ببرد. دومین برنامه، برنامه‌ای است تحت عنوان سواد هیجانی در دانشکاهی که برنامه‌ای چند ساله است و دروس مربوط به آموزش هفتگی مهارت‌های اجتماعی و هیجانی را در درون برنامه درسی موجود می‌گنجاند. به نظر می‌رسد به کارگیری برنامه‌های آموزشی این چنینی در کشور ما نیز کمک بزرگی در جهت حفظ سلامت روان و ایجاد پیشرفت تحصیلی مناسب‌تر برای دانشجویان در سطوح مختلفی سنی باشد.

پیشنهادهای مبتنی بر نتایج تحقیق

- با توجه به یافته‌های پژوهش و مدل تدوین‌شده، به مدیران و رهبران مدارس پیشنهاد می‌شود که با بهره‌گیری از نگاه اجتماعی و توانایی دیدن هدفمند، سبک و شیوه تفکر و نگرش خود را مقارن با تفکر به روز و توانایی تفکر به شیوه متناقض قرار دهند تا از این طریق زمینه‌ساز شناخت شهودی مسائل در سازمان شوند. از این طریق رهبران و مدیران سازمانی می‌توانند احساس و اعتماد را در میان دانش آموزان خود به وجود آورند که این مهم به‌نوبه خود موجب نگرش نو به مسائل، تفکر خلاقانه و شهودی، آینده‌نگری و پیش‌بینی در شرکت می‌شود.

- پیشنهاد می‌شود که مدیران و رهبران سازمانی با استفاده از مهارتهای اجتماعی و هوش هیجانی به همراه پیش‌بینی و آینده‌نگری، توانایی عمل پاسخگویانه را در سازمان به وجود آورند که پیامد اساسی این مهم توانایی زندگی کردن در روابط، ارتباط متقابل رهبر و پیرو، پیشرفت و توسعه پیروان و کارکنان از طریق خودسازمان‌دهی و درنهایت به وجود آمدن سازمانی دقیق است

- با توجه به اینکه مهارتهای اجتماعی آیینه تمام نمای الگوهای روابط درونی، نحوه‌ی ارتباطات، روابط گزارش دهی، کانال‌های ارتباط رسمی، تعیین مسئولیت و تفویض اختیار می‌باشد، لذا قابل‌رؤیت بودن، دسترسی به اطلاعات و عدم پنهان‌کاری و مخفی‌کاری بسیار حائز اهمیت است، لذا پیشنهاد می‌شود جهت تقویت این آینده‌نگری ساختاری به بازنگری در ساختار سازمانی مدارس با مشارکت مدیران و خبرگان پرداخته شود و با تجزیه‌وتحلیل اهداف و عملکرد مدارس به‌منظور تعیین میزان دستیابی به استراتژی‌ها و اهداف، گزارشی شفاف، قابل‌درک، واقعی و به‌دوراز پنهان‌کاری به کارگروه‌های مربوطه ارائه گردد.

[1]Emotionally Intelligent Teacher (EIT)

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

- پیشنهاد می‌شود با اعتقاد و باور به ارزش‌های هوش هیجانی در واحدهای آموزشی، بهبود رابطه نهاد آموزش و جامعه برای ارتقای سطح کیفیت زندگی مردم، حمایت از برنامه‌های بلندمدت و رفع نقایص آن‌ها و بهبود بخشیدن به فرایندهای آن به بعد فرهنگی توجه کرده و در کل سازمان‌های آموزشی بسترسازی و نهادینه شوند.

پیشنهادهای کاربردی

- دانش‌آموزانی که دارای ویژگی‌های مطلوب و ایده‌های جدید هستند را تشویق کنند نحوه اداره کلاس و مشارکت دادن دانش آموزان در کلاس را به سایر معلمان پیشنهاد دهند.

- در گزینش و استخدام معلمان مدارس ابتدایی آنها را مورد بررسی قرار دهند زیرا افرادی که دارای مهارتهای اجتماعی در حد مطلوبی باشند در کلاس از مشارکت و نظرات دانش آموزان بیشتر استقبال می‌کنند.

- زمینه‌های بروز و رشد خلاقیت در معلمان را فراهم آورند و در دوره‌های ضمن خدمت، روش‌های پرورش مهارتها را به معلمان آموزش دهند.

- با انتشار مقالات و نتایج تحقیقات انجام گرفته در زمینه مهارتهای معلمی در مجلات و سایر منابع مطالعاتی، معلمان رابه اهمیت مهارتهای حرفه ای و ارتباطی معلمان آگاه نمایند

- در طی دوره‌های آموزش ضمن خدمت، روش‌های مهارتی تدریس به معلمان آموزش داده شود.

- مسئولین آموزش و پرورش در تبیین مشاورین و متخصصین در مدرسه‌ها برای امر شناخت مشکلات روحی و روانی در دانش آموزان و آموزش دادن به داشتن فکرهای خوب و دادن امید به آینده خوب باعث ایجاد انگیزه در امر تحصیل شوند

- پیشنهاد می‌شود که مدیران آموزشی جهت مقابله با بی انگیزگی یاد گیرندگان راهکارهای مقابله‌ای چند وجهی مناسبی که معطوف به عناصر مختلف باشد جستجو نماید.

منابع

عباسی، بدری و حبی مبرهن، فاطمه، (۱۳۹۳)، رابطه هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، اولین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران

قربانی، نیما، (۱۳۷۹)، شباهت ساختاری هوش هیجانی در ایران و آمریکا. مجموعه مقالات علم انسانی، ۱۳۳-۱۵۳.

کیاروچی، جوزف، فورگاس، جوزف و مایر، جان دی، (۱۳۸۵)، هوش هیجانی در زندگی روزمره. ترجمه جعفر نجفی زند. انتشارات سخن، چاپ اول.

گرث، هانس وسی رایت، میلز، (۱۳۸۶)، منش فرد و ساختار اجتماعی، (ترجمه، اکبر افسری)، تهران: نشر آگه،

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

گلمن، دانیل (۱۳۸۷). هوش هیجانی، ترجمه نسرین پارسا. انتشارات رشد، چاپ چهارم.

لطف آبادی، حسین، (۱۳۸۰)، روان شناسی رشد (۲)، تهران: نشر سمت،

لیوارجانی، شعله و غفاری، سارا، (۱۳۸۹)، بررسی رابطه هوش هیجانی و مهارتهای اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع دوم متوسطه شهر تبریز در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸. نشریه علمی آموزش و ارزشیابی (فصلنامه)، ۳(۹): ۷۱-۸۸.

لیوارجانی، شعله.، گل‌محمدنژاد، غلامرضا، قاسم شهانقی، معصومه، (۱۳۸۸)، بررسی رابطه هوش هیجانی و مهارتهای اجتماعی دانش‌آموزان دختر دوره‌ی دبیرستانی تیزهوش و عادی شهرستان خوی در سال تحصیلی ۸۹-۸۸. نشریه علمی آموزش و ارزشیابی (فصلنامه)، ۲(۵): ۱۸۵-۲۱۰.

ماوسن، پل هنری، (۱۳۸۶)، رشد شخصیت کودک، (ترجمه، مهشید پاسایی)، تهران: نشر مرکز

متسون، جانی و اولندیگ، توماس، (۱۳۸۴)، بهبودبخشی مهارت‌های اجتماعی کودکان: ارزیابی وآموزش، (ترجمه، احمد به پژوه)، تهران: انتشارات اطلاعات.مختاری پور، مرضیه و سیادت، سید علی، (۱۳۸۸)، مقایسه ابعاد هوش اخلاقی از دیدگاه دانشمندان با قرآن کریم و ائمه معصومین (ع)م، نشریه مطالعات اسلام و روان شناسی، شماره ۴، ۹۷-۱۱۸

مویس، دانیل و رینولدز، دیوید، (۱۳۹۰)، آموزش مؤثر، (ترجمه، محمد علی بشارت وحمید شمسی پور)، تهران: انتشارات رشد

وست‌وود، پیتر، (۱۳۸۱)، آموزش و پرورش کودکان با نیازهای ویژه: روش‌های منطقی برای آموزش به کودکان دارای نیازهای ویژه، (ترجمه، شاهرخ مکوندحسینی)، تهران: انتشارات رشد

یارمحمدیان، احمد.، شرفی راد، حیدر، (۱۳۹۰)، تحلیل رابطه بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی در نوجوانان، مجله جامعه شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره ۲۲، شماره ۴: ۵۰-۳۵

یوسفی، فریده و مخیر، محمد، (۱۳۸۱)، بررسی پایایی و روایی مقیاس سنجش مهارتهای اجتماعی ماتسون و مقایسه عملکرد دختران و پسران دبیرستانی در این مقیاس، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۱۸، شماره ۲: ۱۵۸-۱۴۷.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

Eslami, A. A., Mazaheri, M. A., Mostafavi, F., Abbasi, M. H., & Noroozi, E, (2014), Farsi version of social skills rating system-secondary student form: Cultural adaptation, reliability and construct validity. Iranian journal of psychiatry and behavioral sciences, 8(2), 97

Ford, sam, A, (1998). Factor leading to innovation: a study of manager's perspective about factor creativity research, Journal of creativity, No3, pp: 33-99

Ganon, N., & Ranzijn, R, (2005), Does EIpredict unique variance in life satisfaction beyond IQ and personality?Personality and Individual Differences, 38, 1353-1364.

Goleman, D, (1998). Working with emotional intelligence. New York, NY, USA: Bantam.

Golemen, D. (1995), Emotional intelligence. New York: Bantam

Gresham FM, Elliot SN.(1987). Social skills rating system manual. Cricle pines M.N: American Guidance Service: 17.

Hein, S.(2004), Short definition of emotional intelligence, Emotional Intelligence, Homepage.

Izard, C., Fine, S., Schultz, D., Mostow, A., Mostow, A., Ackerman, B., & Youngstrom, E, (2011), Emotional Knowledge as a predictor of social behavior and academic competence in children at risk. Psychologist Science,12(1), 18-23.

Kelly W.E. (2002). An investigation of worry and sense of humor. Journal of Psychology, 136(6), 657-666.

Lopes, P. N., & Salovey, P, (2004), Toward a broader education: Social, emotional, and practical skills. In J. E. Zins, R. P. Weissberg, & H. Walberg (Eds.), Social and emotional learning and school success (pp. 76-93). New York: Teachers College Press.

Lowman, R. L. (2022). Social abilities: Social and emotional intelligence. In R. L. Lowman, Career assessment: Integrating interests, abilities, and personality (pp. 197–206). American Psychological Association.

Mayer, J. D., Caruso, D. R., & Salovey, P, (1999), Emotional intelligence meets traditional standards for an intelligence. Intelligence, 27, 267-298.

Mayer, J. D., Salovey, P. & Caruso, D. R. (2006). Emotional intelligence as zeitgeist, as personality, and as a standard intelligence. In R. Bar-On & J /. D. A. Parker (Eds), Handbook of emotional intelligence. New York: Jossey- Bass.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

Investigating the Relationship Between Emotional Intelligence and Self-Control and Empathy Skills among Elementary School Students in Dashtestan County

Maryam Nourizadeh1, Nazkhatoon Alipanah Roudbar2, Fatemeh Khajeh Azad3

1. Third Grade Elementary School Teacher, Dashtestan County Education Department
2.Fifth Grade Elementary School Teacher, Dashtestan County Education Department
3.First Grade Elementary School Teacher, Dashtestan County Education Department

Abstract

The aim of the present study is to explain and identify the relationship between emotional intelligence and self-control and empathy skills among elementary school students in Dashtestan County. The research method is correlational in nature, applied in purpose, and survey in implementation method. The statistical population includes 2021 fifth and sixth grade elementary school students in Dashtestan County in the academic year 1403, of which 296 were selected as a statistical sample using the Cochran formula. Data collection was carried out using standardized questionnaires related to each variable, and data analysis was carried out using Spearman correlation test and regression in SPSS software. The results showed that there is a significant relationship between emotional intelligence and social skills among elementary school students in Dashtestan County, and a one-unit increase in the emotional intelligence variable causes a 0.348-unit increase in the social skills variable. It was also found that there is a significant relationship between emotional intelligence and self-control skills and empathy skills among elementary school students in Dashtestan County, and a one-unit increase in the independent variable (emotional intelligence) causes a 0.222, 0.185, 0.279, and 0.386 unit increase in the self-control skills and empathy skills of students, respectively. Therefore, it can be concluded that the regression model of this test is statistically significant.

Keywords: Emotional Intelligence, Self-Control, Empathy, Elementary School Students in Dashtestan County

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]